

# در تکاپوی مردم سالاری

## نگاهی به جایگاه مجلس در تاریخ معاصر ایران

ابوذر مظاهری

### مجلس، از مشروطه تا انتهای دوره رضاخان

با نگاهی به عملکرد مجلس از نهضت مشروطه تا انقلاب اسلامی، می‌توان به خوبی به آثار و پیامدهای تصمیمات مجلس پی برد. اگر این دوره را به چهار مقطع دسته بندی کنیم و قله‌های تاریخی آن را در نظر داشته باشیم، بهتر می‌توانیم به نقش مجلس و نمایندگان مردم پی ببریم و پیامدهای مثبت و منفی آن را برای کشور درک کنیم. البته دشمن همواره یکی از اهداف خود را تضعیف این نهاد مردمی می‌داند. گاه نیز مردم را نسبت به انتخاب نمایندگان بی‌میل می‌کردند و از طرف دیگر با حضور مردم و تشکیل مجلس، نمایندگان منافع ملی را صیانت نکردند و در ایفای مسئولیت دچار مشکل شده و درگیر مسائل شخصی و جناحی بودند و توجهی به منافع ملی نکردند. در همه این موارد، مجلس ضعیف بوده و ضربه‌های شدیدی به منافع ملی وارد شد.

اولین تجربه مجلس، یک نوع مجلس صنفی بوده و نمایندگان اصناف در آن حضور داشتند، از آنجا که این افراد آگاهی‌های لازم را برای قانونگذاری نداشتند، کشور عملاً بر اساس نظرات آنها اداره نمی‌شد. اصولاً قرار بود این مجلس نظارتی بر دوائر دولتی داشته باشد و رویه‌ها و آئین نامه‌ها و عملکرد دولت را بررسی کند و اصولاً برای قانونگذاری تشکیل نشده بود، و همین دلیل اعتراض آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری بود. چون مجلس یک مجلس واقعی نبود و نمایندگان اصناف، گاه خارج از صنف آنان به نمایندگی برگزیده می‌شدند. نخبگان آن زمان که از مسائل سیاسی و اجتماعی مطلع بودند، عمدتاً کسانی بودند که دارای تحصیلات اروپایی بودند. از همین رو

### اشاره:

از سال ۱۳۳۴ ق (۱۲۸۵ ش) نظام سیاسی استبدادی به نظام مشروطه تبدیل شد، نظامی که مجلس در آن، رکن اصلی محسوب می‌شود که همین امر تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه پیدا کرد. بعد از پیروزی انقلاب نیز، مجلس همچنان یکی از ارکان نظام محسوب می‌شود. تجربه تاریخی عملکرد مجلس نشان از اهمیت آن در سرنوشت کشور دارد. مجلس محل حضور نمایندگان مردم بوده و در سده اخیر و حتی پیش از آن در کشورهای اسلامی، جایگاه مردم و نهادهای مردمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در تعاملات فرد با نظام و کشور، توجه به این نهاد از اهمیت بالایی برخوردار است. جایگاه نمایندگی مردم جایگاه صیانت از منافع ملی است. علاوه بر قانونگذاری، پشتیبان اصلی یک نظام محسوب می‌شود. تجربه تاریخی نشان داده تضعیف یا تقویت مجلس، منجر به تقویت و تضعیف آن نظام خواهد شد. خنثی بودن یا عملکرد بد مجلس موجب ورود و دخالت دشمن و تأمین خواست‌های او می‌شود. بنابراین مهم‌ترین پشتیبان نهاد تصمیم‌گیری برای کشور، مجلس است.

نمایندگان در این مجلس، نمایندگان واقعی مردم نبودند. بلکه به تعبیر شیخ فضل‌الله می‌خواستند کشور را یک شبه پاریس کنند! تقلید کورکورانه از غرب و تندروی و عدم توجه به منافع ملی موجب سقوط مجلس از جایگاه واقعی خود شد. از همین رو محمدعلی‌شاه با این مجلس نمی‌توانست کشور را اداره کند و وجود آن را برای کشور و موقعیت خود دارای خطر می‌دانست و لذا آن را به توپ بست.

همچنین مردم مسلمان نماینده‌ای می‌خواستند که از احکام شرع پیروی کند و احکام الهی را بر کشور حاکم سازد. رفتاری که نمایندگان مجلس اول آن را رویه خود قرار داده بودند، اهانت به مقدسات بود. از این جهت، مردم این نمایندگان را نمی‌پذیرفتند. البته در اطلاعیه‌ها و شب‌نامه‌ها و انجمن‌های خود و تهدیداتی که نسبت به افراد و رجال انجام می‌دادند، به نام ملت شروع می‌کردند. احتشام السلطنه با اینکه خود، رویکرد روشنفکری داشت، در خاطرات خود می‌نویسد: وقتی به رفتار نمایندگان اعتراض کردم، در منزل من شب‌نامه انداختند که به نام ملت با تو برخورد می‌کنیم!

در واقع تعریف نادرستی که از منافع ملی داشتند و منفعت کشور را بر اساس منافع غربی‌ها پیش می‌بردند، موجب شد تا روشی که برای رسیدن به آن دنبال می‌کردند، اشتباه باشد. هرچند برخی از آنان دارای روحیه ملی بودند و در جنگ جهانی اول از آلمان و عثمانی در مقابل انگلیس و روسیه حمایت می‌کردند، اما در همان‌جا نیز با تفسیر غلطی از منافع ملی و موضع‌گیری‌های اشتباه، کشور را دچار آشفتگی کردند. علی‌رغم اینکه ایران رسماً اعلام بی‌طرفی کرد، اما روس‌ها و انگلیس‌ها متوجه شدند که ایران بی‌طرف نیست. چون تقی‌زاده در انجمنی که در آلمان تشکیل داده بود، کاملاً از آلمان حمایت می‌کرد و این یعنی قرار گرفتن در مقابل انگلیس و روس. از همین رو روس‌ها و انگلیس‌ها به ایران حمله کردند.

مجلس دوم که پس از فتح تهران تشکیل شد و درگیر کشمکش دموکرات‌ها و اجتماع عامیون و... بود، کشور را تماماً درگیر مسائلی کرد که دولت نتوانست دوام بیاورد. مجلس دوم در اولتیماتوم روس‌ها نتوانست موضع درستی اتخاذ کند بلکه تصمیماتی گرفته می‌شد که از موضع آشفتگی و تذبذب نشأت می‌گرفت و کشور را آرام آرام به ورطه جنگ جهانی اول می‌انداخت درحالی‌که واقعاً ارتباطی با ایران نداشت. در بین تمام نمایندگان فقط شهید مدرس بود که با شجاعت خود ایستادگی کرد و می‌گفت اگر قرار است بمیریم پس چرا مقاومت نمی‌کنید؟!

بعد از آن دولت مهاجرت تشکیل شد، حرفشان هم این بود که قدرت مرکزی را دو بخش کنیم که اگر ضربه‌ای وارد شد، به کانون تصمیم‌گیری و مدیریت کشور ضربه‌ای وارد نشود تا از این طریق قدرت مانور داشته باشد. سرنوشت دولت مهاجرت هم سرنوشت خوبی نبود، دولت مهاجرت از قم به اصفهان سپس به کرمانشاه و بعد هم به عثمانی منتقل شد و تبدیل به شیر بی‌یال و کوبالی شد که هیچ کاری نمی‌توانست انجام دهد؛ چرا؟ چون نمایندگان مجلس در جای خود حضور نداشتند و به وظیفه خود عمل نکردند.



**تقلید کورکورانه از غرب و تندروی و عدم توجه به منافع ملی موجب سقوط مجلس از جایگاه واقعی خود شد. از همین رو محمدعلی‌شاه با این مجلس نمی‌توانست کشور را اداره کند و وجود آن را برای کشور و موقعیت خود دارای خطر می‌دانست و لذا آن را به توپ بست.**

اتفاق تلخ دیگر، قرارداد ۱۹۱۹ و توثق الدوله است، این قرارداد که میان دولت‌های انگلیس و ایران پس از هفت ماه مذاکرات پنهانی و پرداخت ۴۰۰ هزار تومان رشوه منعقد شد، تقریباً تمام امور کشوری و لشکری ایران را زیر نظر مستشاران انگلیسی قرار می‌داد. این قرارداد با اینکه هرگز احراز نشد اما زمانی اتفاق افتاد که مجلس وجود نداشت و اساساً قرارداد ۱۹۱۹ بدون تصویب مجلس و در خلأ قوه مقننه پدید آمده بود! بعد از آن انگلیسی‌ها بین دو گزینه قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای ۱۲۹۹ در رفت و برگشت بودند و خواستار رسیدن به یکی از این دو مورد بودند که منافع بیشتری از آنان تأمین کند. مجلس باید نقشی ایفا میکرد که مانع دستیابی انگلیس به منافع خود شود. اما فضایی در کشور ایجاد شد که مورد پسند انگلیسی‌ها بود و مجلس چهارم، نه در قرارداد ۱۹۱۹ و نه در کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان هیچ نقشی نداشت، انگار وجود نداشت!

زمانی که قرارداد ۱۹۱۹ به همت مرحوم مدرس و آزادی خواهان با شکست روبرو شد، انگلیسی‌ها سراغ گزینه دیگری که همان روی کار آوردن قلدری همچون رضاخان بود، رفتند تا با این کار بتوانند منافع خود را تأمین کنند. مرحوم مدرس در نوشته‌های خود تصریح می‌کند مجلس جایگاه صیانتی خود را از دست داده است. با وجود این فضا و فشار رضاخان و تهدیدهای او و نیز نمایندگان دست‌نشانده از سمت او، مجلس پنجم شکل گرفت که تصمیم تاریخی عجیبی اتخاذ کرد!

با تصویب مجلس، استبداد قدیمی سنتی از رمق افتاده دوره قاجار، جای خود را به استبداد تازه‌نفس دیکتاتورمنش و با شدت و حدت بیشتری یعنی استبداد منور رضاخانی داد!

در دوره رضاخان، تصمیمات و اقدامات و کج‌روی‌های متعددی پایه‌گذاری شد، طوری که گویا اصلاً مجلسی وجود ندارد. مجلس پنجم در واقع با تأیید رضاخان، خود را از گردونه صیانت از منافع ملی و نمایندگی مردم خارج کرد و تبدیل به نهاد دست‌نشانده و ماشین امضای دستورات رضاخانی شد و این روند تا انتهای دوره رضاخان ادامه داشت.

#### مجلس در دوره محمد رضا پهلوی

دوره تاریخی بعد، دوره محمد رضا شاه پهلوی است که مشابه مجالس قبل را در این دوره نیز به نحو دیگری شاهد هستیم. پس از دوره‌های متعدد فرمایشی بودن مجلس، در ماجرای نهضت ملی صنعت نفت، فضایی ایجاد شد که برخی از نمایندگان وظیفه اصلی خویش که صیانت از ملت و نمایندگی مردم بود را انجام دادند و با برخی با ترفندهایی وارد مجلس شدند تا این سرمایه ملی یعنی نفت را از چنگ استعمار و انگلیس خارج کنند.

زمانی که بین دولت مصدق و مجلس درگیری ایجاد شد و دچار حواشی شدند، آیت‌الله کاشانی نیز متوجه شکل‌گیری کودتا شد و آن را به مصدق نیز گوش زد کرد اما عدم توجه به منافع ملی توسط مصدق موجب برگزاری فراندوم و انحلال مجلس هفدهم شد و در واقع بزرگ‌ترین ضربه را به خود زد و پشتوانه خود را نابود کرد. می‌توان بیان کرد اهمیت مجلس حتی در دوره دیکتاتوری پهلوی به

اندازه‌ای است که تضعیف آن، دولتی مانند دولت مصدق را نیز از ادامه حیات باز نگه می‌دارد.

از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ نیز شاهد ادوار دیگری از شکل‌گیری مجالس هستیم که یکی از مهمترین آنها مجلس بیست و یکم در مرداد ۱۳۴۳ و تصویب لایحه «کاپیتولاسیون» بود. در واقع می‌توان گفت مجلس پنجم که رضاخان را روی کار آورد، محصول مجلس اول، و مجلس بیست و یکم محصول مجلس هفدهم بود. مجلسی که باید منافع ملی را دنبال کند، لایحه ای را دنبال می‌کند که از اساس تحقیر ملت است. اصلی‌ترین خطابه‌های امام نیز در آغاز حرکت متوجه نمایندگان مجلس است.

#### نگاهی به مجلس در دوره جمهوری اسلامی

جایگاه نمایندگی مجلس در کشور ما فوق‌العاده دارای اهمیت هست، به طوری که هم دشمنان و هم دوستان روی آن حساب باز می‌کنند. دشمن تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا مجلس ضعیفی شکل گیرد. این تضعیف یا از طریق نفوذ و یا از طریق ایجاد حواشی است. تمام تلاش شهید شیخ فضل‌الله نوری در عصر مشروطه این بود که مجلس اول به شکل صحیح ایجاد شود و حافظ منافع ملی باشد.

البته پرداختن به حواشی توسط مجالس مختلف و نیز تهدیدها و نفوذهای همیشه وجود داشته است. این مجلس همواره از سوی قدرتمندان و زورمندان داخلی و خارجی و نیز کسانی که می‌خواهند این نهاد را به استخدام منافع خود درآورند، همواره مورد تهدید بوده است. یکی از نمونه‌های آن مجلس ششم در دوره جمهوری اسلامی است. این مجلس از همان ابتدا دعوای سیاسی را بر منافع و مصالح ملی ترجیح داد. هم‌زمان با مجلس ششم، زلزله بزم را شاهد هستیم. مردم زیر آوار بودند اما مجلس درگیر مسائل جناحی خودش بود! همچنین کشور در آستانه خیزش به سمت غنی‌سازی اورانیوم و رشد در صنعت هسته‌ای بود اما در مجلس ششم طرح دو فوریتی مبنی بر توقف صنعت هسته‌ای و پذیرفتن فشار غرب و قطعنامه اژانس مطرح می‌شود.

مجلس بین تعلیق و توقف، به دنبال توقف بود و اروپایی‌ها متوجه این مسأله شدند بنابراین از خواسته خود که توقف و تعطیلی صنعت هسته‌ای بود، کوتاه نیامدند.

تحریم‌ها و قطعنامه‌های صادر شده در این بحث تا امروز علاوه بر اینکه رفع نشده‌اند، ما را دچار مشکل کرده است.

بنابراین اگر یک مجلس به راستی دغدغه منافع ملی و اهداف ملی را داشته باشد، در راهبرد کشور به سمت قله‌های موفقیت و پیروزی بسیار مؤثر است و مردم نیز این مسأله را امروز متوجه شده‌اند؛ لذا مشاهده می‌کنید که بعد از مجلس ششم، مردم مجلسی را روی کار آوردند که کاملاً از نظر سیاسی مخالف مجلس ششم بود.

به هر حال مجلس ضعیف می‌تواند آثار و پیامدهایی منفی داشته باشد که علاوه بر تحدید و تهدید منافع ملی، کشور را تا سال‌های سال دچار مشکل کند.